

بگذار طبقات حاکمه در مقابل انقلاب کمونیستی بر خود بلرزند.
کارگران در این میان چیزی جز زنجیرهای خود را از دست نمی دهند،
ولی جهانی را بدست خواهند آورد.
کارگران جهان متحد شوید!

از اعتصاب سراسری معلمان حمایت کنیم!

را می فشردند تا خود را در مقابله با مردم آماده تر کنند، در چنین شرایطی همبستگی و پشتیبانی از اعتصاب معلمان رژیم اوباشان را بیش از پیش در تنگنا قرار خواهد داد و سرنگونی اش را تسهیل خواهد کرد. یک هفته اعتصاب معلمان باید به یک هفته التهاب، اعتصاب، کم کاری، تجمع، بحث، طومار و تظاهرات تبدیل گردد. با پیوستن به اعتصاب سراسری معلمان همه جا را به صحنه حمایت از اعتصاب آنان تبدیل کنیم. به جمهوری اسلامی نباید امان داد. به اعتراضات به همبستگی و اتحادمان شدت دهیم.

از امروز ۲۵ بهمن اعتصاب سراسری معلمان آغاز میشود. این اعتصاب یک هفته ادامه خواهد داشت. دهها هزار معلم در این اعتصاب شرکت خواهند کرد و مدارس سراسر کشور تعطیل خواهد شد. رفع تبعیض، افزایش حقوقها، لغو تفتیش و کنترل بر مدارس، حق مسکن و حقوق انسانی خواستهای به حق معلمان است. مردم، خواستهای معلمان خواست همه شماست. پیروزی و موفقیت معلمان در مبارزه شان، پیروزی و موفقیت همه مردم است. اعتصاب معلمان را میتوان به یک اعتصاب عمومی در ایران تبدیل کرد. در شرایطی که جانیمان حاکم گلوی یکدیگر

پیام همبستگی با کارگران خاتون آباد از طرف جمعی از کارگران تهران، کرج و قلعه حسن خان

ما جمعی از کارگران و کارکنان واحد های مختلف صنعتی تهران و کرج و همچنین کارگران اخراجی و بیکار منطقه قلعه حسن خان و شهرکهای اطراف تهران ضمن اعتراض و ابراز تنفر و انزجار خود از حمله و سرکوب و کشتار وحشیانه رژیم سرمایه به تجمع اعتراضی کارگران ذوب مس خاتون آباد و همچنین اعتراضات کارگران و زحمتکشان شهرستان شهر بابک به بازماندگان این فاجعه دلخراش تسلیت عرض نموده و هم دردی و همبستگی خویش با این عزیزان را به اطلاع مردم شریف ایران میرسانیم و از کلیه سازمانها و انجمن ها و گروه های کارگری و انساندوست میخواستیم که به صف اعتراض علیه این جنایت و حمایت از کارگران متحصن پیوسته و صدای اعتراض خود را به گوش مسئولان دولت و

همه ایران برسانند. ما پیگیرانه خواستار اقدام فوری و همزمان تمامی مواد قعظنامه زیر برای احقاق حقوق کارگران و زحمتکشان و مردم شریف کارخانه مس خاتون آباد و شهر بابک میباشیم.
۱- محاکمه و معرفی عامرین، مسببین و مسئولین اجرایی این جنایت به مردم و رساندن به سزای اعمال جنایتکارانه شان
۲- جلب رضایت و پرداخت غرامت به تمامی آسیب دیدگان این حادثه هولناک به خانواده کارگران جانباخته و بیمه و تامین مادام العمر هزینه زندگی آنها
۳- عذرخواهی رسمی دولت، وزارت کشور، استانداری، فرمانداری کرمان و نیروهای انتظامی و همه مسئولین و عوامل این اقدام وحشیانه از کارگران و مردم زحمتکش شریف خاتون آباد و شهرستان شهر

صفحه ۲

اجتماع هزاران نفر از مردم سنندج به یاد کارگران جانباخته ذوب مس خاتون آباد کرمان

میداریم» بر بلندترین نقطه آیدر نصب شد. در چند مکان دیگر تفریحگاه، تاج گلهای «تقدیم به کارگران ذوب مس کرمان» نصب شده و علاوه بر آن روی پلاکارد بزرگ دیگری نوشته شده بود: «ما جنایت رژیم را محکوم و از کارگران خاتون آباد پشتیبانی می کنیم».
در کانی شفا یکی از تفریحگاههای مشهور آیدر مردم در اجتماع هزار نفره خود به پشتیبانی از معلمان شعار دادند و صدای «معلم، معلم حمایتت می کنیم» تا دور دستها به گوش میرسید. بخش هایی از اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

جمعه ۲۴ بهمن از ساعت دو و نیم بامداد دسته دسته مردم و جوانان شهر سنندج به طرف تفریحگاه آیدر راه افتادند. در آغاز روز و در حالیکه اجتماع مردم در آیدر بالغ بر ۶ هزار نفر بود، یک تاج گل بزرگ که با پلاکاردی روی آن نوشته شده بود «از طرف حزب کمونیست کارگری ایران، یاد جانباختگان کارگران ذوب مس خاتون آباد را گرامی

زنان کارگر در کوره های رنج و آتش

صفحه ۳

مبانی کمونیسم کارگری سمینار اول کمونیسم کارگری منصور حکمت

صفحه ۴

اخبار اعتراضات کارگری

تهیه کننده: ناصر اصغری

بیمه و نداشتن امنیت شغلی، در محل اداره کل کار و امور اجتماعی استان گیلان تجمع کردند.

۲۸ درصد کارگران مازندران از سال ۷۴ تاکنون بیکار شده اند

از سال ۷۴ واحدهای چیت سازی بهشهر، تخته سه لا رجایی، نساجی چوکا، خزرخز تنکابن، دوخت خزر، آمل جین، کاغذ سازی حریر قائم شهر و بسیاری از واحدهای بزرگ و کوچک این استان تعطیل شده اند. علاوه معدن زغال سنگ البرز مرکزی که ۱۰ سال پیش ۵ هزار کارگر داشت امروز به بهانه خصوصی سازی ۱۵۰۰ کارگر دارد تعدادی از کارگران این واحد ماههاست که حقوق دریافت نکرده اند.

کارگران کارخانه قند یاسوج مدت سه ماه است که همه روزه در مقابل در کارخانه تجمع میکنند و خواسته های خود را دنبال میکنند. این کارخانه به کارگران بدهکار است اما هیچ مسئولی جوابگوی کارگران نیست.

و کمیسیون کارگری استان نیز آن را تأیید کرده است، می‌باشیم. وی در آخر گفت که کارکنان تصمیم دارند تا دریافت حقوق و مطالباتشان جلوی در دادگستری به تجمع خود ادامه دهند.

کارگران کارخانه ریخته‌گری چینی در کرمانشاه در اعتصاب بسر می‌برند به گزارش حزب کمونیست کارگری ایران، کارگران ریخته‌گری چینی کرد در کرمانشان در اعتراض به اخراج ۵۰ نفر از همکاران خود از روز چهارم بهمن در اعتصاب بسر می‌برند. این گزارش حاکی است که این کارخانه حدود ۱۰۰۰ کارگر دارد و کارگران خواهان به سر کار برگشتن همه اخراجیها هستند.

جمعی از کارگران شرکت الکتریک رشت تجمع کردند به گزارش ایسنا، خبرگزاری دانشجویان ایران، جمعی از کارگران شرکت الکتریک رشت، به دلیل نداشتن تعهد خریدار کارخانه نسبت به کارکنان، پرداخت نکردن حقوق و حق

کارخانه چیت ری تعطیل می‌شود

به گزارش ایلنا، خبرگزاری کار ایران، مدیریت کارخانه چیت ری که وابسته به بنیاد است اعلام کرده است که بدلیل غیرقابل بازسازی بودن این کارخانه، راهی جز تعطیلی باقی نمانده است. واحد چیت ری که در دهه ۶۰ وابسته به بنیاد بود، حدود ۴۰۰۰ کارگر استخدامی داشت. این واحد در سال ۷۹ به بخش خصوصی واگذار گردید. کارگران کارخانه چیت بر این باورند که مدیریت بخش خصوصی تنها به دلیل ۱۶ هکتار زمین این واحد آن را خرید و گرنه هیچگونه سرمایه‌گذاری در این واحد نکرده است. کارگران با اعتراضات و تحصنهای خود در برابر ساختمان بنیاد، بنیاد را مجبور کردند که این واحد را از بخش خصوصی باز پس گیرد.

تجمع کارکنان بیمارستان بهشتی در مقابل دادگستری قم به گزارش سایت نقشینه، حدود ۲۰۰ نفر از کارکنان بیمارستان شهید بهشتی قم برای ششمین روز متوالی جلوی ساختمان دادگستری قم اجتماع کردند. آنها خواستار دریافت حقوق و مطالبات معوقه خود از ۱۰ میلیارد ریال اختصاص یافته از سوی نهاد ریاست جمهوری که در توقیف دادگستری قم می‌باشد، بودند. نماینده این تجمع کنندگان گفت که این ۱۰ میلیارد ریال مختص حقوق و مطالبات عقب افتاده کارکنان بیمارستان است و در ادامه گفت تنها دریافت حقوق عقب افتاده دردی از ما را دوا نمی‌کند و ما خواستار سنوات خود که حتی اداره کار رأی به آن داده

و قایع دستگیر شده اند
۶- بازگرداندن بدون قید و شرط تمامی کارگران اخراجی و پرداخت تمامی حقوق معوقه به آنها و به خانواده شان
۷- دادن تضمین کاری قانونی و بیمه های تامین اجتماعی خدمات درمانی و بیمه بیکاری برای کارگران و همچنین خانواده ها و وابستگانشان
۸- برسمیت شناختن حق تشکل جمع اعتراض و اعتصاب کارگران به عنوان حق مسلم و

نامه ها و طومارهای اعتراضی کارگران و مردم آزادیخواه و حمایت از کارگران خاتون آباد

محکوم کرد.
اتحادیه کشتیرانی و اتحادیه مونتاز استرالیا جنایت خاتون آباد را محکوم کردند به گزارش حزب کمونیست کارگری، اتحادیه کشتیرانی استرالیا شعبه نیو ساوت ویلز در نامه‌ای به سفیر جمهوری اسلامی در استرالیا کشتار کارگران ذوب مس را شدیداً محکوم کرد. بنابراین گزارش اتحادیه **کارگران مونتاز استرالیا** هم با ارسال نامه‌ای به سفارت جمهوری اسلامی در استرالیا، کشتار کارگران خاتون آباد را محکوم کرد. بخشهای دیگری از کارگران تهران جنایت رژیم در خاتون آباد را محکوم کردند

به گزارش حزب کمونیست کارگری، **کارگران بخش ساختمانی و برق صنعتی** بخشی از **کارگران تأسیساتی** در تهران با صدور اطلاعیه‌ای که رونوشت آنرا به حزب ارسال داشته‌اند، با محکومیت کشتار کارگران ذوب مس از خواسته‌های کارگران خاتون آباد حمایت کرده‌اند.

حمایت گروه‌های دیگری از کارگران و مردم از شهرهای سقز، بوکان، مهاباد و دیواندره از مبارزات کارگران مس خاتون آباد به گزارش کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران، ۱۱۰ نفر از کارگران و مردم **شهرهای سقز، بوکان، مهاباد و دیواندره** با ابراز همدردی با خانواده‌های جانباختگان ذوب مس خاتون آباد، کشتار این کارگران را محکوم و از خواسته‌های کارگران خاتون آباد حمایت کرده‌اند.

وقایع دستگیر شده اند
۶- بازگرداندن بدون قید و شرط تمامی کارگران اخراجی و پرداخت تمامی حقوق معوقه به آنها و به خانواده شان
۷- دادن تضمین کاری قانونی و بیمه های تامین اجتماعی خدمات درمانی و بیمه بیکاری برای کارگران و همچنین خانواده ها و وابستگانشان
۸- برسمیت شناختن حق تشکل جمع اعتراض و اعتصاب کارگران به عنوان حق مسلم و

شمار زیادی از دانشجویان تبریز روز جمعه ۱۰ بهمن ماه با ارسال نامه‌ای به حزب کمونیست کارگری ایران ضمن ابراز همدردی با کارگران خاتون آباد، کشتار و زخمی کردن کارگران را شدیداً محکوم کردند. این گزارش همچنین از صدور بیانیه‌ای از طرف **اتحادیه کارکنان بیمارستانها و مراکز درمانی** در محکومیت کشتار این کارگران خبر می‌دهد. به گزارش کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران، صدها نفر از کارگران و مردم **شهرهای سنجند و کامیاران** با امضای طوماری اعتراضی، تعرض جنایتکاران جمهوری اسلامی به کارگران مس خاتون آباد را محکوم کرده‌اند. همچنین گزارش کمیته کردستان حزب از صدور اطلاعیه‌ای از طرف جمعی از **کارگران شهر سقز** خبر می‌دهد. در مریوان و سقز نیز جوانان به یاد کارگران جانباخته بر بلندی‌های مشرف به شهر آتش روشن کردند. جمعی از **کارگران کبریت سازی ممتاز تبریز و کارگران شرکت صنعتی سالمی** در نامه‌ای که رونوشت آن به حزب کمونیست کارگری رسیده، کشتار کارگران ذوب مس خاتون آباد را محکوم کرده‌اند.

فدراسیون کارگران نفت **نوروز** کشتار کارگران ذوب مس را شدیداً محکوم کرد به گزارش حزب کمونیست کارگری ایران، فدراسیون اتحادیه‌های کارگران نفت **نوروز** در نامه‌ای به خاتمی و خامنه‌ای کشتار کارگران خاتون آباد را

ادامه

پیام هبستگی با کارگران خاتون آباد

بابک و همه کسانی که در این رابطه آسیب دیده اند
۴- لغو فوری و بدون قید و شرط فروش شرکت مس خاتون آباد و تمامی شرکتهای تحت عنوانین خصوصی سازی و غیره
۵- آزادی بی قید و شرط تمامی کارگران زحمتکشان و مردم شریف خاتون آباد و شهر بابک کرمان که بدنبال این

انقلاب کارگری

شنبه ها منتشر میشود

سردبیر:

امیر توکلی

تلفن:

00 358 405 821 776

ایمیل:

tavakoli@hotmail.com

نشریه انقلاب کارگری از این سایت قابل دسترسی است

www.kargaran.org

زنده باد جنبش مجمع عمومی!

زنان کارگر در کوره های رنج و آتش

از وی نبرم. خلف وعده نمی کنم و بدون ذکر نامش خلاصه ای از صحبت اش را نقل می‌کنم: «سیستم ما در ایران مشکل دارد. این که زن حامله، کودکان کم سن و سال یا افراد سالخورده در اینجا کار می‌کنند، به من مربوط نمی‌شود. طبق قانون کار این افراد نباید کار کنند. اما قانون اجرا نمی‌شود. خودشان تقبل می‌کنند. طرف حساب من مرد خانواده است و برای هر هزار آجر، ۳۵۰۰ تومان پرداخت می‌کنم. اینکه این هزار آجر را خودش به تنهایی یا همراه خانواده همسر و کودکان میسازد برای من مهم نیست. او خودش نباید آنها را درگیر کند. هر کس در این دنیا به اندازه لیاقت و توانایی اش سهم دارد. حتی آن دنیا هم اینطور است. پدر من داشته من هم دارم. پدر این کارگر ندارد او هم ندارد. پس دارایی ارشی است. در آن دنیا هم به توانایی‌ها و صلاحیت‌های ما می‌نگرند، در آن دنیا...» صحبت اش را قطع کردم،

گفتم لطفا در مورد این دنیا، این کوره و این آدمها صحبت کنید. ادامه داد: در این دفتر به روی کارگران باز است. وقتی که این جمله را می‌گفت، کارگر سالخورده ای داخل شد و آرام نشست. کارفرما با عجله به او گفت: کاری داری؟ حالا برو بعد صحبت می‌کنیم و رفت. کارگری هم در بیرون در حالی که خیلی خودمانی ما را برای ناهار دعوت میکرد، گفت: هر چه به شما گفته خلاف واقع است. ... بدرود گفتیم. آفتاب ظهر خاتون آباد در میان کوره ها سخت درخشیدن گرفته بود و ما زنان کرد را با کوره ها، خشونت ها و رنج هاشان تنها گذاشتیم و راهی شدیم. در میانه راه به این فکر می‌کردم: «اگر پدرت داشت هفت پشنت تامین است و اگر پدرت نداشت هفت پشنت ناامن، فقیر و بیچاره خواهد بود.»

بیسواد و اهل بانه)، در حالی که کلاه آفتابی و لباس کار پوشیده در حال قالب گیری است. پرسیدم معنی اسمت چیست؟ می‌خندد و می‌گوید: نمیدانم. از دستمزد می‌پرسم، می‌گوید: برای هر هزار آجر ۳۵۰۰ تومان میدهند. این پول را به مرد خانواده (که مثلاً می‌توانند ۷ نفر تا ۱۵ نفر باشند) میپردازند. یعنی



برای هر هزار آجر به ۱۵ نفر، ۳۵۰۰ تومان میدهند و این اصلاً کفاف هزینه زندگیمان را نمیدهد. سلما (۳۵ ساله، متاهل، بیسواد و اهل مریوان): کار ما خیلی سخت است. حالا دیگر عادت کردیم، مشکل ما غیر از کار روابط خانوادگی است. مردان ناخواسته و نادانسته علیه دختران و زنان خشونت میکنند. ما مشکلات خانوادگی زیادی داریم. در کردستان بعضی از دختران و زنان خودسوزی می‌کنند (در سنن مختلف) دلیلش سوطن و رفتار خشن مردان است. دختری را می‌شناختم که به خاطر تمایل به ازدواج با پسری که منتظر خانواده نبود، خودسوزی کرد... در پایان به دفتر کارفرما رفتم. او از من خواست که ضبط را خاموش کنم و نامی

اش را با کوره آغاز کرده است. کوره ها اسباب بازی من شده بودند. حتی زمانی که حامله بودم کار میکردم. همه ما همراه مردها از ساعت ۳ صبح تا ۷ غروب کار می‌کنیم (۱۶ ساعت). هر روز این کار پرمهت آغاز میشود. علاوه بر این پخت و پز، نظافت، بچه داری و ... هم کار ما زنان است. مردان هرگز

به هر حال علت ترسشان را نفهمیدیم..... پای صحبت زنان کارگر قالبدار می‌نشینیم. ملیحه ۱۹ ساله، مجرد، بیسواد و اهل پیرانشهر. در حالی که روسری و کلاه بر سر دارد و مشغول قالب گیری است، می‌گوید: همراه برادرش آمده، هیچ یک از خواهرانش مدرسه نرفته اند، از اوایل اردیبهشت تا اوایل مهر (۵ الی ۶ ماه) که در تهران هستیم مشغول کار کوره ایم و بعد به شهرستان برمیگردیم. خیلی دوست داشتم به مدرسه بروم، برادرانم به مدرسه رفته اند ولی در مورد ما به شدت مخالفت شده، حالا دیگر نه توانش را دارم و نه حوصله اش را.

خدیجه ۲۰ ساله، مجرد، بیسواد، اهل روستای میرآباد سردشت: مدرسه نرفتم. اما خیلی دلم می‌خواست یاد بگیرم پدر و مادرم نداشتن، برادرانم همه مدرسه رفتن، حالا دیگه زیاد تمایلی ندارم. یعنی خسته شدم از بس گفتم و کسی نشنید. با همه اینها اگه حالا امکانش باشه (هر چند که کاره کوره نمی‌ذاره) یاد می‌گیرم.

نسرین ۲۶ ساله، متاهل، دارای دو فرزند، سردشت. او که به ۵۰ ساله می‌ماند، ۱۸ سال است که در کوره کار میکند (۱۰ سال قبل از ازدواج و ۸ سال بعد از زندگی مشترک). او هم الفبایی نیاموخته، از بی سوادی بدش می‌آید، اما با روند این گونه سنتهای غلط و بیجا سازش کرده است. به والدینم اعتراض کردم اما گفتند سرنوشت زنان اینجا مثل هم است تو هم مثل بقیه زنان. دوباره اعتراض کردم آنگاه من را دیوانه خواندند، بعد دیگر هیچ نگفتم. فکر کردم شاید من عجیبم. پس چرا بقیه ساکتند؟ عایشه ۵۰ ساله متاهل، بیسواد، اهل سقز. او که به ۷۰ ساله ها می‌ماند، کودکی

شنیده بودم قیام دشت، خاتون آباد و کرج کوره های آجرپزی دارند. این نیاز را احساس کردم که باید کوره ها و زنان کوره ها را ببینم. رنجشان را دور دور می‌فهمیدم و هر چه بیشتر می‌شنیدم مشتاق تر میشدم که راه قیام دشت را در یک پنجشنبه در پیش گیرم. همراه یکی از دوستان از دیوی شرق به طرف بزرگراه خاوران رفتم. به قیام دشت رسیدیم دوباره نیمی از راه را به طرف پاکدشت برگشتیم و در خاتون آباد توقف کردیم. سرانجام ساعت ۳:۰۹ صبح رسیدیم. کوره های نفتی قدیمی مقابل جاده قد علم کرده بودند ذهنیتی از آنها داشتم: زن بودن، کرد بودن، خانوادگی کار کردن، همه سنین را در برگزفتن. سن، جنسیت و بازنشستگی در این کار بی معنی است چون عملاً رعایت نمیشود حتی زنان حامله، زنان شیرده، کودکان زیر ده سال و پیرمردان هم کار میکردند. از دور ما را که دیدند نگاهمان کردند، نگاهی نا آشنا که بوی غریبی میداد. برای همین فاصله شان را با ما حفظ کردند. در همان لحظه

اول به زبان کردی احوالپرسی و معرفی کردیم و دلیل آمدن به آنجا را برایشان توضیح دادیم. وقتی از عایشه خواستم با هم صحبتی داشته باشیم، گفت حالا کار دارم، می‌خواهم غذا درست کنم، زنان دیگر هم پراکنده شدند. حس کردم شاید انتظار (اعتماد کردن به ما) به این سرعت بی مورد باشد و اینکه در لحظات اولیه ارتباط خوبی نتوانسته ایم برقرار کنیم. خیلی خودمانی و با زبانی محلی صحبت کردیم فقط پوشش ما با آنها فرق داشت. به هر حال این انتظار یک ساعت بعد نتیجه داد در این فاصله با مردان صحبت کردم. خیلی راحت پذیرا شدند، دوباره زنان جمع شدند. زنی که گفت کار دارم از دور ما را می‌پایید، سپس گفت: نمی‌دانستم از کجا آمده اید و کی هستید، برای همین کمی ترسیدیم. ما ابتدا خود را معرفی کردیم،

" Let the ruling classes tremble at a
Communist revolution. The proletarians
have nothing to lose but their chains. They
have a world to win."

WORKERS REVOLUTION

Nr. 13

14.02.2004



مبانی کمونیسم کارگری سمینار اول کمونیسم کارگری (مارس ۱۹۸۹)

منصور حکمت

قسمت دهم

و فقط با دست بردن در بنیادهای اساسی اش میتوان کاریستی غیر از پرولتری بودن و کارگری بودن به آن داد. و این همان اتفاقی است که عملاً در طول صد سال اخیر صورت گرفته است. مارکسیسم بدلائل معین توسط جناحهایی از خود طبقه بورژوازی بدست گرفته میشود. برای مثال جناح چپ بورژوازی از مارکسیسم بعنوان تئوری ای برای عمل سیاسی قهر آمیز استفاده میکند، بعنوان تئوری ای برای بسیج طبقه کارگر در خدمت امر سیاسی اش استفاده میکند. آن بخشی از بورژوازی که میخواست برای تغییر مورد نظرش توده محروم در جامعه را بسیج بکند، ناگزیر به مارکسیسم متوسل میشود. به اینها بعداً میرسیم. اما نکته اینجاست که این انتقال مارکسیسم از جنبش طبقه کارگر به جنبشهای مختلف بورژوازی بدون تجدید نظر در این سیستم و این اندیشه و بدون تحریفات ممکن نیست و تصرف مجدد مارکسیسم بوسیله جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر هم بدون اعاده احکام مارکسیسم ممکن نیست. اینجاست که ایدئولوژی و تئوری جایگاهشان را برای ما دوباره پیدا میکنند. ما طرفدار ساختن احزابی که متولیان آستان قلس تئوری باشند نیستیم، ولی بعنوان احزاب کارگری شدیداً به ارتدوکسی مارکسیسم و تمام صحت تئوریک مارکسیسم احتیاج داریم.

همراهش نیست. ولی اگر یک جا راجع به سرمایه داری حرف میزنیم، آنوقت دیگر این رسماً کلام فلسفی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کارگر در این جامعه است. بنابراین، بعنوان یک دستگاه فکری، مارکسیسم دستگاه فکری کارگر است نه دستگاه فکری مربوط به کارگر. نه تئوری انقلاب برای کارگران، بلکه تئوری کارگران برای انقلاب. نقش مرکزی کارگر در مارکسیسم از مقولاتی نظیر عدالت اجتماعی، ترقی، رشد نیروهای مولده و غیره، استخراج نشده. مثل اینکه "برای رشد اجتماعی، کارگران باید انقلاب کنند"، "برای رشد اجتماعی، کارگر باید پا به صحنه بگذارد". "برای عدالت اجتماعی، کارگر باید رهبری جنبش را بدست بگیرد". هیچ جا مقوله کارگر خصلت اشتقاقی نسبت به مقوله ای پیش از خود، مقدم بر او، مثل عدالت، برابری و امثال اینها ندارد. برعکس است. این مقوله کارگر، یعنی جامعه مبتنی بر کار مزدی کارگر، است که برابری را معنی میکند، عدالت را معنی میکند، توسعه و ترقی را معنی میدهد و تاریخ را معنی میکند. به این ترتیب، مارکسیسم بنا به تعریف، به تعریفی که خود در اساس جهان بینی اش از خود بدست میدهد، یک نگرش و سیستم فکری کارگری است.

به افشار محروم میشود. در مارکسیسم اصلاً حرف بر سر این نیست. این تئوری، این فلسفه، کلام کارگر است. نه بعنوان اشخاص معین، بلکه بعنوان طبقه مزدبگیری که چنین جامعه ای را نمیشود. اعتراض یک طبقه اجتماعی است. کارگر را از مارکسیسم بگیرد، هیچ چیز از این دستگاه فکری نمیمانند. چنین نیست که اگر کارگر را از مارکسیسم گرفتیم و مارکسیسم به یک تئوری فاقد عامل اجرایی تبدیل میشود، به یک تئوری غیرقابل کاربست تبدیل میشود. مقوله کارگر را از مارکسیسم بیرون بکشید، هیچ تئوری ای بجا نمیمانند. هیچ تبیین فلسفی ای بجا نمیمانند. هیچ نقدی به فلسفه پیش از خودش باقی نمیمانند. تئوری نقد اقتصاد سیاسی بجا نمیمانند. هیچ چیز بجا نمیمانند که بخواهید بکارش بندید یا نه. کارگر را اگر از مارکسیسم بیرون بکشید، مارکسیسم باقی نمیمانند. مثل این میماند که بخواهید بورژوازی را بیرون بکشید و هنوز تئوری لیبرالیسم بدهید. همانقدری که در لیبرالیسم، در محافظه کاری، در فاشیسم، وجود اجتماعی بورژوازی فرض است و بهیچوجه مورد بحث قرار نمیگیرد، هیچوقت حالت نبودش در نظر گرفته نشده، در مارکسیسم وجود اجتماعی کارگر فرض گرفته میشود و هیچوقت مورد بحث نیست. عکسش در نظر گرفته نشده. اگر در جامعه ای کارگر وجود ندارد، حتماً سرمایه داری هم نیست و مارکسیسم هم

بشود، از ابتدا حضور دارد، تحلیل دهنده است. اینطور نیست که تئوری را ساخته باشیم و حال بیائیم پیگیرترین فلان و بهمان را تعیین کنیم و ببینیم طبقات اجتماعی کجا هستند و بگوئیم آها کارگر، پیگیرترین دمکرات. کارگر، پیگیرترین عدالتخواه اجتماعی. کارگر، پیگیرترین مبارز راه رهائی زن. کارگر، پیگیرترین مدافع فلان امر است. صحبت این نیست که یک مکتب فکری دارد افشار اجتماعی مورد نظرش را انتخاب میکند یا جایی قضاوتش را راجع به جامعه میگوید، برعکس این قضاوت بخشی از جامعه است راجع به تئوری. قضاوت بخش معینی از جامعه است راجع به همه اینها و راجع به آینده جامعه. تمام زیبایی و اهمیت مارکسیسم اینست. و بنظر من باز ایجاب میکند که کسی که مانیفست کمونیست را میخواند، اول اسمش را خط بزند و بنویسد مانیفست کمونیست کارگری. چون در هیچ جایی در بحث مارکس موجودیت طبقه اثبات نمیشود، بلکه فرض گرفته میشود، هیچ کجا منافع طبقه اثبات نمیشود، بلکه فرض گرفته میشود، و هیچ جا برای حقانیت و مشروعیت این منافع استدلال نمیشود، بلکه فرض گرفته میشود. اینکه طبقه کارگر باید آزاد بشود، فرض گرفته میشود. استدلال بر نمیدارد. سوسیالیسم بورژوازی میگوید آخر درست نیست که جامعه به فقیر و غنی تقسیم شده باشد و از اینجا رهسپار حمایت و کمک

بنابراین از نظر خصلت انقلاب مورد نظر مارکس، سوسیالیسم مارکس، باز مقوله طبقه کارگر وجود عینی طبقه کارگر امری محوری است قرار است موقعیت این طبقه تغییر کند. اینجا منظورم از نظر رفاهی و مصرفی و امثالهم نیست. بلکه از نقطه نظر مکان اجتماعی اش است. جامعه نباید به طبقات تقسیم شود. وجود یک طبقه ای از مردم که مجبور است نیروی کارش را بفروشد. تا بتواند زندگی کند نباید وجود داشته باشد. سوسیالیسم مارکس حاصل یک انقلاب کارگری است. بنابراین ما اینجا به روشنی یک نقد کارگری را می بینیم. اینطور نیست که یک دستگاه فکری خیراندیش آمده در جامعه با چراغ قوه دنبال یک قشر اجتماعی بدر بخور برای انقلاب گشته و کارگر را پیدا کرده است، بدو سوسیالیسم را میخواست و حالا آمده است ببیند کدام طبقه میتواند اینرا به سرانجام برساند و عامل اجرایی این سوسیالیسم باشد. برعکس است، این یک جنبش اجتماعی است که دارد به زبان تئوری حرف میزند نه برعکس. تئوری نیست که مابه ازاء اجتماعی خود را یافته است، خود آن کارگر است که در این تئوری دارد حرف میزند و تمام اهمیت مارکسیسم در این است که وقتی خوب میخوانیدش می بینید خود کارگر است که دارد حرف میزند. فلسفه اش را نمیتواند بدون فرض موجودیت خودش بیان کند. در تئوری مارکسیسم کارگر هیچ جایی در هیچ مرحله ای از تحلیل نیست که وارد

ادامه در شماره بعد

آزادی برابری حکومت کارگری